



The Social Functions of Religion in the Declaration of the Second Step from the Perspective of Nahj al-Balaghah*

Zainab Tayyebi^۱

Zainab Ataullahi^۲

Abstract

In recent decades, especially after the victory of the Islamic Revolution and the collapse of the communist system and the refutation of the theory of “religion is opium” and the successful experience of the presence of religion in various fields and the emphasis of the great architect of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Supreme Leader on the comprehensiveness of Islam and the inseparable link between religion and politics, the issue of the function of religion has been raised more seriously in the second step of the Islamic Revolution. This study aims to reveal the effectiveness of religion in the present era and the results of the presence of religion in social spheres, intra-religious method and using written library resources, and deals with analyzing the social functions of religion in the second step of the Islamic Revolution from the perspective of Nahj al-Balaghah and the declaration with the second step of the Islamic Revolution. These functions are clearly stated in the verses of revelation, sermons, letters and the pearls of wisdom of Nahj al-Balaghah. In determining the general policies of the system in the second step of the Islamic Revolution, the Supreme Leader, relying on the Quran and Sunnah, especially Nahj al-Balaghah, has addressed the social functions of religion and invited the youth in particular to achieve it. The results show that the formation of Islamic government, justice and fight against corruption, increasing morality and spirituality, independence and freedom, increasing insight in the face of the enemy and unity and preventing differences and divisions, are the most important functions of religion in society. The most obvious achievement of the study of the social functions of religion is the proof of the comprehensiveness and maximum function of religion in the administration of society, which the study of the conduct of Imam Ali (A.S) and the declaration of the second step of the Islamic Revolution, shows this fact well.

Keywords: Social Functions of Religion, Second Step of the Islamic Revolution, Nahj al-Balaghah, Declaration of the Second Step of the Revolution.

*. Date of receiving: ۱۲, ۰۹, ۲۰۲۱ -Date of approval: ۱۹, ۱۲, ۲۰۲۱.

۱. Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences, Farhangian University of Qom Province, Corresponding Author; (ztayyebi^{۱۱}@gmail.com).

۲. Student of Level ۴ of Islamic Theology, Tarbiat Modares Sedigheh Kubra (S.A), Qom; (zfbahary@gmail.com)



کارکردهای اجتماعی دین در بیانیه گام از منظر نهج البلاغه*

زینب طیبی^۱ - زینب عطاءاللهی^۲

چکیده

موضوع کارکرد دین در دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام کمونیستی و ابطال نظریه «افیون بودن دین» و تجربه موفق حضور دین در عرصه‌های مختلف و تأکید معمار بزرگ انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بر جامعیت اسلام و پیوند ناگسستنی دین و سیاست، به‌صورت جدی‌تری در گام دوم انقلاب اسلامی مطرح شده است. پژوهش حاضر با هدف آشکارکردن کارایی دین در عصر حاضر و نتایج حضور دین در عرصه‌های اجتماعی، به روش درون‌دینی و با بهره‌گیری از منابع مکتوب کتابخانه‌ای، به تحلیل کارکردهای اجتماعی دین در گام دوم انقلاب اسلامی از منظر نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته است. این کارکردها به روشنی در آیات وحی، خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه آمده است. مقام معظم رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام در گام دوم انقلاب اسلامی با تمسک به قرآن و سنت به‌ویژه نهج البلاغه، به کارکردهای اجتماعی دین پرداخته‌اند و از نیروی جوان به‌طور خاص برای تحقق آن دعوت کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تشکیل حکومت اسلامی، عدالت و مبارزه با فساد، افزایش اخلاق و معنویت، استقلال و آزادی، بصیرت‌افزایی در مقابله با دشمن و وحدت و جلوگیری از اختلاف و تفرقه، از مهم‌ترین کارکردهای دین در اجتماع است. بارزترین دستاورد بررسی کارکردهای اجتماعی دین، اثبات جامعیت و کارکرد حداکثری دین در اداره جامعه است که بررسی سیره امام علی علیه السلام و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، این حقیقت را به‌خوبی نمایان می‌کند.

واژگان کلیدی: کارکردهای اجتماعی دین، گام دوم انقلاب اسلامی، نهج البلاغه، بیانیه گام دوم

انقلاب.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸.

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان استان قم، (نویسنده مسئول)؛ (ztayyebi62@gmail.com).

۲. دانش‌آموخته سطح چهار رشته کلام اسلامی، تربیت مدرس صدیقه کبری (س)، قم؛ (www.zfbahary@gmail.com).

مقدمه

خداوند متعال، پیامبرانش را به همراه کتاب، بیته و حجت آشکار برای هدایت و سعادت انسان‌ها ارسال کرده است. انبیاء الهی، افزون بر دستورات عبادی، راهکارهایی برای اصلاح و پیشرفت زندگی اجتماعی انسان‌ها بیان کرده‌اند. این خدمات و آثار دین در جامعه و افراد، در زمان پیامبرانی چون داود، سلیمان، یوسف علیهم‌السلام و به صورت خاص در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم، به طور چشمگیر و حداکثری، موجبات سامان یافتن زندگی انسان و کمال وی را فراهم آورده است. با توجه به رسالت اوصیای نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم در سامان بخشی حیات انسان در بین مسلمانان و تبیین میزان توانایی دین برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشر، امام علی علیه‌السلام که پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم شرایط بهتری برای اعمال حکومت و ترویج آموزه‌های دینی داشته‌اند، کارکردهای دین در عرصه‌های مختلف حیات بشر را بیان کرده‌اند و نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی بشر در خطبه‌ها، نامه‌ها نهج‌البلاغه ایشان آمده است. با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی، فرصتی دیگر برای تحقق کارکردهای دین فراهم شده است که اینک با گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری برای تحقق هرچه بیش‌تر کارکردهای دین در جامعه، بیانیه‌ای را خطاب به ملت ایران به‌ویژه جوانان صادر کرده‌اند. بررسی این بیانیه نه تنها کارایی دین در عصر حاضر و نتایج حضور دین در عرصه‌های مختلف را به خوبی نشان می‌دهد، بلکه به علت طرح شبهات ناکارآمدی دین در عرصه اجتماع، در اثبات جامعیت و کارآمدی دین مؤثر است.

با وجود آن‌که بحث میزان توانایی دین برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشر در بین مسلمانان سابقه‌ای طولانی دارد (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۰)، سخن از کارکرد دین در گذشته به صورت مستقل مطرح نبوده و در ضمن مسائل کلامی با تعابیری مانند فواید بعثت، آثار ایمان و دین آمده است (علامه حلی، ۱۴۳۲: ۶۸ و ۶۹). این مسأله، در دو سده اخیر با طرح بحث جایگزینی کارکردهای علوم گوناگون مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی بر کارکردهای دین به صورت رقیب دین مطرح شد و دین‌پژوهان با نگاهی جدید آن را تحلیل کردند. از این لحاظ می‌توان مدعی شد که بحث کارکرد دین و امکان رقابت با آن، مسئله جدید کلامی است (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲: ۱۶۲).

هر چند درباره مسائلی مانند کارکرد دین، انتظار بشر از دین و جامعیت اسلام، کتاب‌ها و مقالات مختلفی منتشر شده است و در حوزه کارکرد دین در زندگی بشر آثاری مانند «کارکرد دین در زندگی بشر» نوشته محمد سبحانی‌نیا (۱۳۹۴) به بیان دیدگاه‌های اساسی در مورد کارکرد دین در زندگی انسان



و خدمات دین در حوزه تربیت، بهداشت روان، عدالت اقتصادی و ساز و کارهای دین برای اداره حیات بشر از براهین عقلی و نقلی استفاده شده است، اما تاکنون اثری مستقل به کارکردهای اجتماعی دین در گام دوم انقلاب اسلامی با تکیه بر نهج‌البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی اختصاص نیافته است. از این رو در این مقاله سعی شده است با روش تحقیق کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی - تحلیلی، کارکردهای اجتماعی دین از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و مجموعه گرانسنگ نهج‌البلاغه که جامع‌ترین کتاب پس از قرآن کریم است، روشن شود.

فرض مسأله پژوهش آن است که دین با توجه به حقانیت آموزه‌های آن، در حیطه اجتماع کارکردهای بی‌ظنیری دارد که تشکیل حکومت، اجرای عدالت، استقلال و آزادی، وحدت اسلامی و ترویج اخلاق و معنویت از مهم‌ترین آثار آن است.

الف. مفهوم‌شناسی

از آنجا که در طرح مباحث این پژوهش، مفاهیم، اصطلاحات و واژه‌هایی به کار می‌رود که باید در بدو تحقیق به دقت و به‌صورت عملی تعریف شود تا از یکدیگر بازشناخته شوند، در این جا مناسب است به مفهوم‌شناسی دین و کارکرد پرداخته شود.

۱. دین

در زبان عربی برای «دین» کاربردهای مختلفی بیان شده که مهم‌ترین آنها عبارت است از: طاعت و انقیاد، جزاء و حساب و رسم و عادت (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۲۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۲۲۵/۴). ابن‌فارس، ریشه دین را اطاعت و ذلت و انقیاد می‌داند و می‌گوید شهر را بدان خاطر مدینه گویند که در آن حاکم مورد اطاعت قرار می‌گیرد و نیز چون عبد و کنیز تحت اشراف ارباب خود هستند، به نام مدین و مدینه خوانده شده‌اند (ابن‌فارس، ۱۳۹۹: ۳۱۹/۲). صاحب «لسان‌العرب» می‌گوید: «دین به معنای جزا است. در مثل آمده هر جور با دیگران برخورد کنی همان طور با تو برخورد می‌کنند» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۶۹/۱۳).

افزون بر معنای لغوی دین، این واژه بیش از نود بار در قرآن‌کریم با معانی جزا و پاداش (فاتحه/۳)، اطاعت و بندگی (زمر: ۱۱)، ملک و سلطنت (بقره: ۱۹۳)، شریعت و قانون (کافرون: ۶)، ملت (انعام: ۶) و تسلیم (آل‌عمران: ۱۹) آمده است. خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره مبارکه آل‌عمران می‌فرماید: (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ). علامه طباطبایی، کلمه اسلام در این آیه شریفه را به معنای تسلیم در برابر



معارف و احکامی تفسیر می‌کند که از مقام ربوبیت صادر شده و به وسیله رسولان بیان می‌شود و اختلاف شرایع را به کمال و نقص ارجاع می‌دهد. از منظر صاحب «المیزان فی تفسیر القرآن»، دین سلسله‌ای از معارف علمی است که اعمالی را به دنبال دارد؛ پس می‌توان گفت دین اعتقادات است و اعتقاد و ایمان، از امور قلبی به‌شمار می‌رود که اکراه و اجبار بر آن‌ها حکومت نمی‌کند. اکراه در اعمال ظاهری و افعال و حرکات بدنی و مادی اثر دارد (طباطبایی، بی‌تا: ۳۰۸-۳۰۰/۳؛ بهداروند، ۱۳۸۳: ۷۷-۱۰۱).

در روایات اسلامی (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۲۷۲/۳-۳۹۵) نیز دین را به ارکان و ویژگی‌هایش از جمله ایمان، یقین، حُب و بُغض قلبی، معرفت داشتن، دوستی ورزیدن، اخلاق حَسَن، نورانیت، عزّت، طلب علم، مایه حیات و مانند این‌ها تفسیر کرده‌اند (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۲۲/۳-۲۳). تمام تعاریفی که اندیشمندان غربی برای دین آورده‌اند، به یک یا چند بُعد از این ابعاد دین توجّه نموده و یا به ویژگی‌هایی عنایت کرده‌اند که در همه ادیان موجود، تجلّی ندارد (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۲۸/۳).

در مجموع، تعریف دقیقی که بر دین اسلام انطباق دارد چنین است: مجموعه‌ای از معارف، عقاید، احکام، اخلاق و در یک کلام مجموعه «هست و نیست‌ها» و «باید و نبایدها» که خداوند، جهت هدایت بشر به وسیله منابع و ابزاری چون کتاب، سنّت، عقل و فطرت نازل فرموده است؛ خواه این معارف با عقل و تجربه، تحصیل پذیر باشد یا نباشد (همان: ۳۰). همین معنا از دین در این مقاله مورد نظر است.

۲. کارکرد

کارکرد، ترجمان واژه «فونکسیون» است که در اصطلاح جامعه‌شناسی وقتی به دین نسبت داده می‌شود، مقصود معنای عام آن است که شامل خدمات، غایات و اغراض، آثار و تبعات پنهان و آشکار، مقصود و غیر مقصود دین در جامعه است که قوام، بقا و تعادل آن را در پی دارد (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۷). در این مقاله، مقصود از کارکرد اجتماعی دین، مطلق خدمات و آثار دین در جامعه است. کارکردهایی که به همه مردم بستگی دارد و در زندگی جمعی آن‌ها تأثیرگذار است.

ب. کارکردهای اجتماعی دین

کارکردهای دین از دیرباز مورد توجه جامعه‌شناسان و دیگر دین پژوهان به‌عنوان عوامل بقای دین



بوده است. اندیشمندان از دورهیافت روان شناختی و جامعه شناختی، کارکردهای مختلف دین را تبیین نموده‌اند (عبادی، ۱۳۹۴: ۳۱۷؛ فصیحی و پوریانی، ۱۳۹۱: ۲۳۱ و ۲۳۲؛ مریجی، ۱۳۹۳: ۱۹؛ قنبری، ۱۳۹۰: ۲۳؛ حبیبی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷؛ عباسی و عبادی، ۱۳۹۲: ۱۲۹). از آن جا که انقلاب اسلامی ایران با طرح پیوند دین و سیاست، ضرورت دینداری و ساخت نظام سیاسی براساس آموزه‌های دینی و نقش دین در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را تبیین نمود و این انقلاب به سرعت در جهان اسلام و نظام بین الملل بازتاب یافت، آثار و پیامدهای گسترده آن در ظهور و ایفای نقش دین در سایرکشورها و سیاست‌های بین الملل به همراه داشته است که این امر به نوبه خود باعث احیا و تقویت کارکردهای فکری، فرهنگی و سیاسی دین و همچنین دین اسلام و یا اسلام سیاسی در سطح نظام بین الملل شده است (منیری و سپهری، ۱۳۹۵: ۱۵۷). تبیین این خدمات در گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر بیانات امام علی علیه السلام به عنوان اولین حاکم معصوم پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان حاکم نظام اسلامی در بیان کارکردهای دین، بایسته‌ای است که در ذیل آمده است.

۱. تشکیل حکومت اسلامی

بستری که می‌تواند کارکردهای اجتماعی دین را تحقق ببخشد، قدرت حکومت است. از این رو، یکی از مهم‌ترین کارکردهای دین در حوزه اجتماع، تشکیل حکومت الهی است. تشکیل حکومت الهی از کارکردهای اصلی و خاص دین است؛ زیرا انبیا با شعار لا اله الا الله، انسان را از پرستش هر چه غیر خدا است باز داشته‌اند، در حالی که حکومت‌های دیگر نوعی حکومت انسان بر انسان است (صدر، ۱۴۰۳: ۹). امام علی علیه السلام در خطبه شقشقیه به دو شرط مهم مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی در تشکیل حکومت اشاره کرده، می‌فرماید: «اگر این بیعت کنندگان نبودند و یاران، حجت بر من تمام نمی‌نمودند و خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکم‌باره را برتانبند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته این کار را از دست می‌گذاشتم و پایانش را چون آغازش می‌انگاشتم و چون گذشته، خود را به کناری می‌داشتم و می‌دیدید که دنیای شما را به چیزی نمی‌شمارم و حکومت را پیشیزی ارزش نمی‌گذارم» (نهج البلاغه، خطبه ۳).

این کلام امام علیه السلام، به صورت قضیه شرطیه متصله آمده است. بدین توضیح که اگر حضور حاضران نبود و کسی بر یآوری حق قیام نمی‌کرد و خداوند از علما بر انکار منکرات، با داشتن قدرت، پیمان

نمی‌گرفت، خلافت را چنانکه اول رها کردم، اکنون نیز کنار می‌گذاشتم. در آن صورت می‌دیدید که دنیای شما در نزد من به اندازه آب بینی بزرگم ارزش نداشت (ابن‌میثم، ۱۴۰۴: ۵۳۵/۱ - ۵۲۵)؛ زیرا خداوند از ائمه معصومان (:) عهد گرفته که هر جا قدرت و تمکن پیدا کردند، در برابر منکرات سکوت نکنند (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۱۱۱/۳)، از این رو نهی از منکر در شرایط تمکن واجب است (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ۲۰۲/۱).

گرچه امام علی علیه السلام تشکیل حکومت را یک ضرورت اجتماعی می‌دانند که حتی با فاجر بودن امیر نیز پاره‌ای از خیرات مثل امنیت، مقابله با دشمن، حفظ مرزها و... انجام می‌شود، اما آن کارکرد اصیل دنیوی و به‌ویژه اخروی آن در حکومت غیر الهی محقق نمی‌شود. آن حضرت در خطبه ۴۰ نهج‌البلاغه در پاسخ به خوارج که هر نوع حکومتی را نفی می‌کردند و می‌گفتند «نیست حکمی مگر از جانب خدا»، می‌فرمایند:

«سخن حقی است که از آن اراده باطل می‌شود، آری نیست حکمی مگر از جانب خدا (خداوند متعال حاکم به جمیع امور و واجب‌الإطاعة است و از مقتضیات احکام الهی آن است که باید در میان خلق امیر و رئیسی باشد تا امر معاش و معادشان را منظم نماید)، اما خوارج می‌گویند: امارت و ریاست (در بین خلق) مخصوص خداوند است، و حال آن‌که ناچار برای مردم امیری لازم است خواه نیکوکار یا بد کار باشد، مؤمن در امارت و حکومت او به طاعت مشغول است و کافر بهره خود را می‌یابد (همه با بودن امیر از هرج و مرج و اضطراب و نگرانی آسوده‌اند) و خداوند در زمان او هر که را به اجل مقدر می‌رساند (با نبودن امیر مردم به جان هم می‌افتند) و به توسط او مالیات جمع می‌شود (تا در وقت حاجت بکار بندد) و با دشمن جنگ می‌شود، و راه‌ها (از دزدها و یاغی‌ها) ایمن می‌شود و حق ضعیف و ناتوان از قوی و ستمکار گرفته می‌شود تا نیکوکار در رفاه و از (شر) بد کار آسوده ماند».

در شرح این خطبه آمده است که امام علیه السلام بر این نکته تأکید می‌کند که بدون شک حاکم و قانون‌گذار و تشریح‌کننده اصلی احکام، خداست، حتی اجازه داور و حاکمیت بر مردم نیز باید از سوی او صادر شود، ولی این بدان معنا نیست که خداوند خودش در دادگاه‌ها حاضر می‌شود و در میان مردم داور می‌کند یا رشته حکومت بر مردم را خود در دست می‌گیرد و فی‌المثل به جای رئیس جمهور و امیر و استاندار عمل می‌کند و یا فرشتگان خود را از آسمان‌ها برای این کار مبعوث می‌دارد! این سخن واهی و نابخردانه‌ای است که هر کس اندک شعوری داشته باشد، آن را بر زبان جاری نمی‌کند، ولی متأسفانه خوارج لجوج و نادان، طرفدار این سخن بودند و از این رو با آن حضرت



مخالفت کردند و گفتند: چرا مسأله حکمیت را پذیرفته‌ای (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۲۲۳/۲-۲۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۴۴۴/۲-۴۲۹)

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، این کارکرد دین در کنار زدن طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی چنین آمده است: «انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و به شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است، در کانون مدیریت کشور وارد کرد. آن‌گاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد. روحیه و باور "ما می‌توانیم" را به همگان منتقل کرد. به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

مقام معظم رهبری هدف از تشکیل حکومت را اجرای احکام الهی می‌دانند که این هدف نیز کارکرد دین در این زمینه را منحصر به فرد می‌کند:

«تشکیل نظام سیاسی، لازمه تحقق اهداف بعثت انبیاء است؛ پس با آمدن پیغمبر یک نظام سیاسی به وجود می‌آید، یعنی هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید؛ حالا این‌که کدام پیغمبر توفیق پیدا کرد این کار را بکند و کدام توفیق پیدا نکرد بحث دیگری است، لکن هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید- که بتواند این اهداف را با تشکیل برنامه‌ها و مناسبات اجتماعی و مناسبات گوناگون بشری تحقق ببخشد. در این نظام سیاسی، آئین حکمرانی از کتاب خدا گرفته می‌شود» (خامنه‌ای، ۹۹/۱۲/۲۱).

ایشان اجرای احکام و دستورهای الهی را نیازمند تشکیل یک حکومت می‌دانند و می‌فرمایند: «بدون وجود یک مدیریت و یک فرماندهی که این دستور عملیاتی نخواهد شد؛ پس یک مدیریتی لازم است و این مدیریت و این راهبری اساسی مربوط به خود شخص پیغمبر است؛ یعنی پیغمبر اکرم و همه پیغمبران -نبی مکرم اسلام و قبل از او پیامبران دیگر- مدیران و فرماندهانی هستند که موظفند حکمرانی دینی و الهی در جامعه را که محصول بعثت پیغمبران است و با کتاب الهی ارائه می‌شود، اجرا کنند و این را تحقق ببخشند» (همان).

مقام معظم رهبری تشکیل حکومت در دوران غیبت کبری و اساس حکومت اسلامی و شاخص عمده این حکومت را استقرار ایمان، ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیاء و سلوک در صراط مستقیمی

که انبیاء الهی در مقابل پای مردم قرار دادند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱/۱)، معرفی نموده است.

۲. برپایی عدالت و مبارزه با فساد

یکی دیگر از کارکردهای مهم دین در اجتماع که در واقع پاسخ اساسی به نیاز فطری انسان‌ها است، تأمین عدالت و مبارزه با ظلم و فساد است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۹: ۱۰۳). این کارکرد در قرآن و سنت مورد تأکید قرار گرفته است، به طوری که دین در زمینه تکوین، تشریح و هم جزای اخروی، در کمال عدالت رفتار کرده است و با برهان عقلی ثابت می‌شود که از خداوند حکیم کار ظالمانه صادر نمی‌شود و آنچه برای بشر خلق شده و دستور داده شده و جزا داده می‌شود، در نهایت عدالت و دادگری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱/۵۳۳-۵۲۵). در واقع می‌توان گفت تنها دین الهی است که چنین ادعای به حقی دارد؛ زیرا بینش توحیدی ناب، پایه و اساس آن را تشکیل می‌دهد. از این رو علاوه بر کارکرد اخروی دین در برقراری عدالت، در دنیا نیز هیچ عاملی چون دین نمی‌تواند به طور جامع و کامل مدعی عدالت و مبارزه با فساد و ظلم باشد؛ زیرا دستورات و توصیه‌های موجود در متن دین، همه بر پایه عدالت است (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲: ۱۷۶).

علاوه بر عدالت در زندگی دنیوی، ادیان الهی با تأکید بر زندگی پس از مرگ، تأمین عدالت واقعی را نوید می‌دهند و در برابر هر ستم عقوبتی در خور آن می‌نهند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱/۴۹۳). عدالت خداوند در جزای اعمال ستمگران به گونه‌ای است که اگر چند روزی به آنان مهلت می‌دهد، دیری نخواهد پایید که به سزای کردارشان می‌رساند و داد مظلومان را از آنان می‌ستاند. البته این به معنای ستم‌پذیری و سازش‌کاری نیست، پیشوایان اسلام نه تنها سازش با ظلم را بر نمی‌تابند، بلکه سخن حق نزد پیشوای ستمگر را از جهاد در راه خدا برتر می‌شمارد (یوسفیان، ۱۳۸۹: ۱۷۹). با این حال برای کسانی که از گرفتن حق خویش ناتوان‌اند، هیچ چیز تسلی بخش‌تر نیست که عدل الهی برای ظالمان از ستمی که آنان بر ستم‌دیده روا داشته‌اند بسیار شکننده‌تر است: «یوم العدل علی الظالم اشد من یوم الجور علی المظلوم» (نهج البلاغه: حکمت ۳۴۱).

عدالت اجتماعی در حوزه‌های مختلفی قابل بررسی است. یکی از مصادیق عدالت اجتماعی، اقتصاد است که حضرت علی علیه السلام به عنوان پرچم‌دار دفاع از عدالت اقتصادی، آن را یکی از کارکردهای دین می‌داند و در خطبه ۱۵ نهج البلاغه درباره آنچه عثمان از بیت‌المال به افراد خاصی بخشیده بود و امام علیه السلام آنها را به بیت‌المال بازگرداند، می‌فرماید: «به خدا سوگند (اموال غارت شده



بیت‌المال را به آن باز می‌گردانم حتی) اگر آن را بیابم که مهر زنان شده یا کنیزانی با آن خریده باشند؛ همه را قاطعانه به بیت‌المال بر می‌گردانم (و اجازه نمی‌دهم بی‌عدالتی سابق در جهان اسلام ادامه یابد!)؛ زیرا در عدالت گشایش است (برای همه قشرهای جامعه) و آن کس که عدالت برای او تنگ (و ناگوار) باشد، ظلم و ستم برای تنگ‌تر (و ناگوارتر) است».

تحقق کارکرد دین در زمینه عدالت، به پشتوانه محکم اعتقادی و معرفتی نیاز دارد که امام علی علیه السلام در خطبه ۲۲۴، رمز آن را اعتقاد به جهان پس از مرگ و بینش توحیدی می‌داند: «به خدا سوگند اگر شب را روی خارها (ی جانگداز) سعدان بیدار به سر برم و یا (روزها) در غل و زنجیرها دست و پا بسته کشیده شوم، برای من محبوب‌تر از آن است که خدا و رسولش را روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به برخی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال دنیا را غصب نموده باشم. چگونه بر کسی ستم روا دارم آن هم برای جسمی که به سرعت به سوی کهنگی باز می‌گردد (و به زودی از هم متلاشی می‌شود) و توقفش در میان خاک بسیار طولانی خواهد بود؟».

وقتی دین برای حاکم اسلامی چنین روحیه‌ای را به تصویر می‌کشد، نشان می‌دهد که می‌تواند بهترین کارکرد را در زمینه اجرای عدالت و مبارزه با فساد داشته باشد، زیرا اعتقاد و معرفت حقیقی و عمیق به توحید و معاد چنان تأثیری در اعمال انسان دارد که هیچ مکتبی جز اسلام ناب نمی‌تواند مدعی آن باشد. از این رو اجرای عدالت و مبارزه با فساد در جامعه از قدرت‌های منحصر به فرد دین مبین اسلام است که به خوبی آن را در منابع خود تعریف کرده و در اختیار حاکمان قرار داده تا به خوبی اجرا شود. هر جا که این الگورعایت شده، ثمرات بی‌نظیری به دنبال داشته است. مقام معظم رهبری با بیان دستاوردهای عدالت پس از سرنگونی طاغوت و استقرار انقلاب اسلامی، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی فرموده است: «باید کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آن‌که این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیش‌ترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

مقام معظم رهبری، جمهوری اسلامی را در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور و از مناطق مرفه نشین شهرها به مناطق پایین دست آن معرفی می‌کنند و معتقدند که علاوه بر اجرای عدالت، مبارزه با فساد نیز باید در دستور کار دولت مردان قرار گیرد تا کارکرد دین در این زمینه تکمیل شود. ایشان عدالت و مبارزه با فساد را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند و می‌گویند فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها است و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویران‌گر و ضربه زننده به مشروعیت آنها است و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است (همان). معظم له، کم‌ترین بی‌عدالتی را در حکومت اسلامی بر نمی‌تابند و بر نزدیک شدن به الگوی اصیل دین در این زمینه توصیه موکد دارند و مبارزه با فساد در استقرار عدالت را مشروط به تقوای کارگزاران می‌دانند. معظم له، تحقق کامل عدالت را که هدف بعثت انبیا بوده است را در زمان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانند و بهره‌مندی نظام اسلامی از آن را نسبی می‌شمارند و می‌فرمایند: «عدالت در صدر هدف‌های اولیة همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد، ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیش‌تری صورت گیرد و توطئه و ازگونه‌نمایی و لاقبل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد» (همان).

۳. ایجاد وحدت و یکپارچگی میان امت

یکی از عواملی که تأثیر شتاب‌دهنده‌ای در موفقیت‌های اجتماعی دارد و هدف‌های یک دین یا مکتب را فراگیر و جهانی می‌کند، وحدت و عدم اختلاف پیروان آن است. برای پیش‌برد اهداف اسلام در سعادت دنیا و آخرت انسان، دین بهترین عامل وحدت بخش در این عرصه است. در واقع، اسلام به‌عنوان مجموعه قوانین الهی که ریشه در فطرت دارد، یکی از محورهای مهم وحدت اسلامی است (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲: ۱۷۰).

قرآن کریم در ضمن آن که همگان را به همگرایی و همبستگی فرا خوانده است، از وحدت اسلامی



به‌عنوان نعمت یاد کرده و اختلاف را در ردیف عذاب الهی قرار داده است: (واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذکروا نعمة الله علیکم اذکنتم اعداءً فالّف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً) (آل عمران: ۱۰۳)؛ «همگی به ریسمان خدا چنگ زیند و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یادآورید که چگونه دشمن یک دیگر بودید و او در میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید». نکته مهمی که بر نقش دین در ایجاد وحدت دلالت می‌کند این است که در برخی از تفاسیر آمده است که همانا مقصود از «حبل الله» دین اسلام است (شیخ طوسی، بی تا، ۵/۲: ۵۴۵؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۳۵۶/۲)

امام علی علیه السلام وحدت را نعمت و فیضی از ناحیه خداوند متعال می‌دانند که به واسطه آن بر مسلمانان منت نهاده است: «همانا خدای سبحان بر جماعت این امت، منت گذارده و بین آنان الفت و اتحاد ایجاد کرده است تا در سایه اش بیارامند و در پناهش بیاسایند». (نهج البلاغه: خطبه/۱۹۲). تعبیر منت الهی درباره وحدت، بیانگر اهمیت بسیار آن است؛ زیرا به اعطای هر نعمت سنگین و گران بهایی منت گفته می‌شود، چنان که خداوند متعال از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله به‌عنوان منت یاد کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۷۷۸). آن حضرت در خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه به سراغ کارکرد مهم دین در وحدت صفوف مسلمین می‌رود و عامل تفرقه که همان نفاق است را گوشزد نموده است: «مبادا در دین خدا به رنگ‌های مختلف درآیید، چراکه اتحاد و اجتماع در راه حق - هر چند خوشایند شما نباشد - از پراکندگی در راه باطلی که مورد علاقه شماست بهتر است و (بدانید) خداوند سبحان به هیچ کس، نه از گذشتگان و نه باقی ماندگان به‌سبب اختلاف و تفرقه، نتیجه خوبی نبخشیده است».

برخی شارحان نهج البلاغه برآنند که تعبیر «فَإِيَاكُمْ وَالتَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ؛ مبادا در دین خدا به رنگ‌های مختلف در آیید»، اشاره به این دارد که هر گروهی رنگی به خود بگیرد و برنامه‌اش را از دیگران جدا سازد، خواه در برنامه‌های عقیدتی باشد یا عملی، این تلون و رنگارنگ شدن، سبب پراکندگی صفوف و به هدر رفتن نیروها و گاه جنگ‌های داخلی می‌شود و سرنوشت جامعه و منافع آن را به خطر می‌اندازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۶/۵۹۸ - ۶۰۱).

مقام معظم رهبری درباره اهمیت وحدت اجتماع در متون دینی فرموده است که «اعتصام به حبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی‌کند به این که ما را به اعتصام به حبل الله امر کند، بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ «جميعاً»؛ همه با هم اعتصام کنید و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر این که مسلمان



باید معتصم به حبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمانها و همدست با آنها انجام دهد (طباطبایی، بی تا: ۳/۳۶۹). معظم له می فرماید: «ما این اعتصام را درست بشناسیم و آن را انجام دهیم. آیه شریفه قرآن می فرماید: (فمن یكفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی) (بقره: ۲۵۷). این، اعتصام به حبل الله را برای ما معنا می کند. تمسک به حبل الله چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت. امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده امریکاست» (خامنه ای، ۱۳۶۸/۱۱/۷).

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی روح غالب بر بیانیه برای رسیدن به دستاوردهای مورد نظر، وحدت همه ملت بر سر آرمانهای انقلاب اسلامی است. علاوه بر آن، مقام معظم رهبری در سندهای راهبردی نظام اسلامی نیز بر وحدت میان مسلمانان و حتی مذاهب و شریعت‌های مختلف تأکید دارند، آن هم نه به این معنا که همگی یک دین و مذهب داشته باشند، بلکه در مشترکات متحد شوند و علاوه بر همبستگی داخلی، در برابر دشمنان نیز صفوف واحدی را شکل دهند تا مستکبران عالم نتوانند آنها را ضعیف و خوار کنند. ایشان می فرمایند: «اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فرقی گوناگون، از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین بشود: اول این که فرقی گوناگون اسلامی (فرق سنی و فرقی شیعه) که هر کدام فرقی مختلف کلامی و فقهی دارند؛ حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند. دوم این که فرقی گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوی فقه‌ها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوی دو مذهب به هم نزدیک شود» (خامنه ای، ۱۳۶۸/۷/۲۴).

۴. استقلال و آزادی حقیقی

از دیگر کارکردهای اجتماعی دین ایجاد استقلال و آزادی حقیقی در جامعه است، یعنی استقلال و آزادی از هر چه غیر خدا است: (و ان اعبدونى هذا صراط مستقیم) (یس: ۶۱). به طور فطری، هر انسانی به دنبال آزادی و استقلال است؛ اما اگر چارچوب آن مشخص نشود، سبب طغیان انسان در اجتماع و مزاحم حقوق دیگران خواهد بود (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲: ۱۷۴). از این رو کسی می تواند این چارچوب و قانون را مشخص کند که آگاه به حقیقت انسان و استعدادهای او باشد و آن خداوند



متعال است که دستورات خود را در قالب دین اسلام از طریق پیام آوران معصوم خود مشخص کرده است. ایجاد روحیه استقلال و آزادی حقیقی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای دین در حوزه اجتماع است و می‌تواند انسان‌ها را از جهالت‌ها و تعصبات قومی نجات دهد. در خطبه ۱۷۰ نهج البلاغه، این کارکرد دین به روشنی آمده است. آنچه کارکرد دین در زمینه ایجاد روحیه استقلال و آزادی را منحصر به فرد می‌کند، بینش توحیدی ناب اسلام است. امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه یکی از بی‌نظیرترین جملات در بحث آزادی انسان از هر چه غیر خداست را آورده و فرموده است: «وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» بنده دیگری مباش، خداوندت آزاد آفریده است، زیرا نفس عزیزتر و بالاتر از هر چیزی است و هیچ قیمتی برای آن وجود ندارد (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۳۰/۲۰). این گفتار امام علیه السلام که خداوند او را آزاد قرار داده است، به منزله صغرای قیاس و کبرای مقدر آن چنین است: و هر کسی را که خداوند آزاد قرار داده باشد، زشت است که خود را برده دیگری قرار دهد و همچنین گفته امام علیه السلام: «(و ما خیر خیر . . . الا بعسر)»، استفهام انکاری است، یعنی آن خیری که جز به وسیله شر و آسایشی که جز با دشواری به دست نیاید، حسنی ندارد و خیر به‌شمار نمی‌آید. مقصود امام از آن خیر و آسایش، چیزی است که با تن دادن به پستی‌ها در پی آن است و انسان بدان وسیله - مثل ثروت و مانند آن - برده دیگری شود. مقصود از شرّ و دشواری مقرون به شرّ، حالاتی مانند ریختن آبرو، در مقام درخواست از دیگران و تن به ذلت دادن و از این قبیل پستی‌هاست. این عبارت نیز به منزله صغرای قیاس است و کبرای مقدر آن چنین است: «و هر چیزی که خیری نداشته باشد، سزاوار نیست که انسان در پی آن رود و به خاطر آن طوق بردگی دیگران را به‌گردن اندازد» (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۷۱/۵-۶۷)

روشن است وقتی دین مبین اسلام چنین نسخه‌ای برای افراد یک جامعه صادر می‌کند، آن‌ها را در برابر مستکبران و زورگویان، قدرتمند می‌گرداند تا تن به تبعیت از آن‌ها ندهند. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، آزادی از قید و بند تبعیت از استکبار را به‌عنوان کارکرد مهم دین در زندگی اجتماعی برشمرده، می‌فرماید: «نماد پُر‌آهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود

دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره قلدوران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

ایشان در ادامه بیانیه ضمن تعریف استقلال و آزادی، حکومت‌ها را موظف به تأمین این دو عطیه الهی می‌دانند. از منظر معظم له، استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. آزادی اجتماعی نیز به معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است: «این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و عطیه الهی به انسان‌هایند و هیچ‌کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظّف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیش‌تر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله خود از جمله آنها است» (همان).

مقام معظم رهبری با اشاره به کارکرد موفق حکومت دینی، استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی را دستاورد، بلکه خون‌آورد صد‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار می‌دانند و می‌گویند آنها غالباً جوان ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت‌اند و این ثمره شجره طیّبه انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی‌توان در خطر قرار داد. مقام معظم رهبری، همه به خصوص دولت جمهوری اسلامی ایران را موظّف به حراست از آن با همه وجود می‌دانند و می‌فرمایند: «بدیهی است که "استقلال" نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و "آزادی" نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود» (همان).

مقام معظم رهبری یکی از مهم‌ترین عوامل دسترسی به استقلال و عزّت را داشتن روحیه جهادی و تکیه بر توان داخلی می‌دانند و می‌فرمایند: «مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل "ما می‌توانیم"؛ عامل عزّت و پیشرفت ایران در همه عرصه‌هاست. به رغم همه این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله ملت ایران آن‌گاه به درستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل "ما می‌توانیم" که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید» (همان).



۵. ترویج اخلاق و معنویت

یکی دیگر از کارکردهای دین در جامعه، حفظ سلامت روحی و معنوی جامعه با ترویج و پشتیبانی از اخلاق پسندیده و مشروع است. اگر چه مکاتب دیگر نیز مدعی ترویج اخلاق هستند، اما نقش موثر دین در این زمینه مورد توجه جامعه‌شناسان نیز واقع شده است (مصدقیان، ۱۳۸۷: ۱۷). در عرصه اخلاق، دین با سه راهکار، عقلانیت بخشی، شناسایی بعضی اصول اخلاقی و حمایت از اصول اخلاقی و ضمانت اجرایی آن به مدد اخلاق آمده است (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲: ۱۶۲). آنچه در این زمینه ضامن اجرای اخلاق است، بشارت‌هایی است که دین به آنها نوید داده است و اندازهایی که به جهت اعتقاد به معاد، انسان را از عقوبت آن برحذر داشته است. در واقع، خوف و رجا ناشی از انذار و تبشیر الهی می‌تواند یکی از ضمانت‌های اجرایی دین در عرصه اجتماع و تربیت معنوی جامعه، به‌شمار رود (همت بناری و امینی، ۱۳۹۹: ۵۰-۲۴). از همه مهم‌تر این‌که با نگاه توحیدی دین اسلام، خداوند در هر حالی حاضر و ناظر بر اعمال انسان‌هاست، شاهدهی که خود در قیامت حاکم است. حضرت علی علیه السلام در حکمت ۳۲۴ می‌فرماید: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ، فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ» از عصیان خداوند در خلوتگاه‌ها بپرهیزید، چراکه شاهد، همان حاکم و دادرس است».

یکی از مصادیق اخلاق و معنویت که در اجتماع، اوضاع مادی و معنوی جامعه را سامان می‌بخشد، روحیه ایثار، جهاد و شهادت است. این کارکرد اخلاقی در جامعه در سایه دین الهی و باور به آخرت امکان‌پذیر است، به‌ویژه در جانفشانی و شهادت؛ زیرا در نظام‌های مادی و غیر الهی، هیچ توجیهی برای از دست دادن جان برای دیگران وجود ندارد، در حالی که در منابع دینی بر پایه ایمان به معاد و بهره‌مندی از پاداش اخروی، انگیزه بسیار قوی برای حرکت‌های جهادی در زمینه جان مال و . . وجود دارد. امام علی علیه السلام در خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه با بیان پاداش شهادت در راه خدا، یاران خود را به جهاد در راه خدا دعوت می‌کند و می‌فرماید: «آری آن دسته از برادرانی که در جنگ صفین خونشان ریخت، هیچ زیانی نکرده‌اند، گرچه امروز نیستند تا خوراکشان غم و غصه و نوشیدنی آنها خونابه دل باشد. به خدا سوگند، آنها خدا را ملاقات کردند که پاداش آنها را داد و پس از دوران ترس، آنها را در سرای امن خود جایگزین فرمود. کجا هستند برادران من که بر راه حق رفتند و با حق در گذشتند؟ کجاست عمّار و کجاست پسر تیهان (مالک بن تیهان انصاری) و کجاست ذو الشّهادتین (خزیمه بن ثابت که پیامبر شهادت او را دو شهادت دانست) و کجایند همانند آنان از برادرانشان که پیمان جانبازی

بستند و سرهایشان را برای ستمگران فرستادند؟».

یکی از نمونه‌های اخلاق اجتماعی که می‌توان اوج تأثیر دین در اخلاق اجتماعی نامید، نحوه برخورد حاکمان با مردم است که حضرت علی علیه السلام آن را به خوبی در نامه ۴۶ نهج البلاغه به یکی از فرمانداران که گفته شده مالک اشتر است، به تصویر می‌کشد. کارکردی که با پشتوانه توحید و تقوا چنین منحصر به فرد شده است: «اما بعد (از حمد و ثنای الهی) به یقین تو از کسانی هستی که من برای برپا داشتن دین از آنها کمک می‌گیرم و سرکشی و تکبر گنهکاران را به وسیله آنان درهم می‌شکنم و گلوگاه‌های خطرناک را به کمک آنها حفظ می‌کنم. بنابراین از خداوند در اموری که برای تو مهم است یاری بجوی. سخت‌گیری و شدت عمل را با نرمش در آمیز. مادام که مدارا کردن بهتر است مدارا کن؛ اما در آن‌جا که جز شدت عمل تو را بی‌نیاز نمی‌کند، تصمیم به شدت بگیر. پر و بالت را برای مردم بگستران (و تواضع کن) و با چهره گشاده با آنان روبه‌رو شو و در برابر آنان نرم خو و ملایم باش و مساوات را در میان آنها حتی در مشاهده و نگاه کردن با گوشه چشم و اشاره کردن و تحیت و تعارفات رعایت کن تا زورمندان در نقض عدالت به نفع خودشان طمع نورزند و ضعیفان از عدالت تو مأیوس نشوند».

این دستور که هم در مورد زمامداران و مدیران جامعه آمده و هم در کتاب القضاء در وظایف قضات دیده می‌شود، دستوری است شاید منحصرراً در اسلام که قاضی یا فرماندار و زمامدار به هنگامی که ارباب رجوع نزد او می‌آیند، همه را با یک چشم بنگرد؛ اگر احترام می‌کند و برمی‌خیزد، برای همه برخیزد، اگر تحیت می‌گوید و پاسخ سلام را به نحو اکمل ادا می‌کند، با همه چنین باشد و حتی نباید به بعضی با تمام چشم نگاه کند و بعضی دیگر با گوشه چشم. این امر سبب می‌شود که همه حساب خود را بکنند و بدانند جایی که در این امور ساده مساوات و عدالت رعایت می‌شود، نباید انتظار داشت در امور مهم تبعیض واقع شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۵۴/۱۰).

مقام معظم رهبری در زمینه ترویج اخلاق اسلامی در جامعه بیانات متعددی دارند و بر این مسأله تأکید فراوان نموده‌اند. یکی از آن موارد بیانیه گام دوم انقلاب است که ایشان به کارکرد دین در این زمینه پرداخته‌اند و افزایش اخلاق در دوره انقلاب را نسبت به زمان طاغوت، چشم‌گیر توصیف کرده‌اند: «هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بند و باری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان



را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، معنویت را به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه معرفی کرده است و اخلاق را به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو دانسته‌اند (همان).

معظم له، معنویت و اخلاق را جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه می‌داند که بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌کند و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (همان). ایشان نقش حکومت‌ها در ترویج اخلاق را بسیار مهم می‌داند و این چنین توصیه می‌فرمایند: «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیش‌تری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی‌کنند» (همان).

دین با حمایت‌های مختلف به ترویج اخلاق در جامعه کمک می‌کند. از این رو می‌توان گفت مهم‌ترین کارکردهای دین در اخلاق عبارتند از: پشتوانه بودن دین برای اخلاق، ضمانت اجرایی آن در آموزه‌های اخلاقی، خاستگاه الزام در گزاره‌های اخلاقی و ایجاد زمینه‌های آن، تأمین مفاهیم اصلی و فرعی، تأمین مفاهیم اخلاقی در گرایش‌های فطری، عاطفی، احساساتی، انفعالی و غریزی، توجه به حُسن فاعلی درکنار حُسن فعلی، تبیین و تعیین فضایل و رذایل اخلاقی و روش‌های تربیت اخلاقی، منشأ ارزش‌های اخلاقی، تعیین غایت اخلاق و منبع بودن متون دینی برای شناخت و استنباط احکام اخلاقی (شریفی، ۱۳۸۹: ۵۱).

۶. دشمن شناسی

دین اسلام با توجه به جامعیتی که نسبت به امور اجتماعی دارد، علاوه بر توجه ویژه به نظام درونی، در شناخت دشمن و راه‌های مقابله با آن نیز، برنامه معرفتی و عملی دقیقی ارائه داده است. به طوری که قرآن کریم و روایات به خوبی این مسئله را روشن کرده‌اند. امام علی علیه السلام در حکمت ۲۹۵ نهج البلاغه، با معرفی انواع دشمنان، درباره دوست و دشمن فرموده است: «دوستانت سه و دشمنانت سه می‌باشند: اما دوستانت دوست تو، و دوست دوست تو، و دشمن دشمنانت است و اما دشمنانت دشمن تو، و دشمن دوست تو، و دوست دشمنانت است».

در شرح این حکمت آمده است که درست است همیشه دوستِ دوست انسان ممکن است دوست انسان نباشد؛ با کسی دوستی کند و با دوستش دشمنی؛ ولی غالباً چنین نیست. دوستی‌ها و دشمنی‌ها معمولاً بر اثر اهداف مشترک است، هنگامی که اهداف مشترک بود، هم دوست انسان هم دوستِ دوست او از در دوستی درمی‌آیند، بنابراین وجود بعضی استثناها هرگز مانع از یک حکم کلی نیست. در مقابل می‌فرماید: «دشمنان تو: دشمن هستند و دشمن دوستت و دوست دشمنانت» (نهج البلاغه: حکمت/۲۹۵). در این مورد نیز همان مطلبی که درباره دوست گفته شد صادق است؛ دشمنی‌ها با شخص یا چیزی نیز بر اثر اهداف مشترک است؛ کسی که با کسی دشمن می‌شود، با دوست او هم که اهداف مشابهی دارد، دشمنی خواهد کرد و به عکس، با دشمنانش دوستی خواهد نمود.

این کلام حکیمانه امام علیه السلام در بسیاری از مسائل اجتماعی زندگی و درباره ملت‌ها نیز راهگشاست. هرگاه بینیم کسی با دشمن مسلمانان دوستی می‌کند باید بدانیم او هم دشمن مسلمانان است، هر چند به ظاهر ادعای دوستی می‌کند. همچنین اگر با دوستان ما دشمنی می‌کند بدانیم او دشمن ما نیز هست، هر چند در ظاهر خود را در لباس دوستان ما درآورده است. به این ترتیب بسیاری از روابط سیاسی و اجتماعی را می‌توان حل کرد و پیش‌بینی‌های لازم را درباره موضع‌گیری در مقابل اشخاص و گروه‌ها و کشورها داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۴۴۳/۱۴).

کارکرد دین در رویارویی با دشمن زمانی مؤثر است که آموزه دین در ارائه راه‌های برخورد با دشمن و شناخت آن به خوبی به کار گرفته شود. امام علی علیه السلام برای نشان دادن شیوه برخورد با دشمن مستکبر، در سال ۳۷ هجری پس از ورود به صحرای صَفین برای در اختیار گرفتن آب فرات خطاب به خط شکنان سپاه فرمودند: «شامیان با بستن آب شما را به پیکار دعوت کردند. اکنون بر سر دوراهی قرار دارید: یا به ذلت و خواری بر جای خود بنشینید، و یا شمشیرها را از خون آنها سیراب سازید تا از



آب سیراب شوید. پس بدانید که مرگ در زندگی توأم با شکست و زندگی جاویدان در مرگ پیروزمندان شماس. آگاه باشید، معاویه گروهی از گمراهان را همراه آورده و حقیقت را از آنان می‌پوشاند تا کورکورانه گلوهایشان را آماج تیر و شمشیر کنند» (نهج‌البلاغه: خطبه ۵۱).

این خطبه در لحظاتی بسیار حساس و سرنوشت ساز از امام علیه السلام صادر شد و آن حضرت که کانونی از فصاحت و بلاغت و دریایی از تدبیر و مدیریت بود، چنان جمله‌های کوبنده و مهیج را برای ادای مقصود خود انتخاب کرد که یارانش با شنیدن آن یکباره به حرکت درآمدند و دست ستمگران شام را از شریعه فرات کوتاه کردند و آن را برای دوست و دشمن مباح ساختند. جمله‌هایی است که امروز با گذشتن قرن‌ها، باز قوت و قدرت خود را همچنان حفظ کرده و برای هر جمعیتی که عزت و شرفشان با حملات ناجوانمردانه دشمن به مخاطره افتاده، کارساز و الهام بخش است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵: ۵۸۲/۲-۵۷۱).

مقام معظم رهبری، کارکرد دین در این زمینه را ارتقای بینش سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی دانسته‌اند و با الگوگیری از فرامین مولی‌الموحدين علی علیه السلام و بهره‌گیری از منابع اصیل دین اسلام، به ارائه برنامه دقیق در برخورد با دشمن می‌پردازند که نشان از کارکرد قوی دین در این عرصه دارد: «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی هستند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندان سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

بارزترین دستاورد پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات گذشته، اثبات جامعیت و کارکرد حداکثری دین در اداره جامعه در پرتو سیره امام علی علیه السلام و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. از منظر امام علی علیه السلام، مهم‌ترین کارکردهای دین در عرصه اجتماع، تشکیل حکومت اسلامی است؛ حکومتی که ضامن اجرای قوانین و مقررات الهی باشد. آن حضرت، آزادی و استقلال حقیقی را آزادی از پرستش هر

چه غیر خداست، معرفی می‌کنند و علاوه بر آن، آموزش آزادی و توجه به ندای فطرت را از کارکردهای اجتماعی دین می‌دانند. ایشان، وحدت را نعمت و فیضی از ناحیه خداوند دانسته‌اند که باری تعالی به وسیله آن بر مسلمانان منت گذاشته است. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز روح غالب بر بیانیه برای رسیدن به دستاوردهای مورد نظر، وحدت همه ملت بر سر آرمان‌های انقلاب اسلامی معرفی شده است.

از دیگر کارکردهای دین در جامعه از منظر امام علی علیه السلام، حفظ سلامت روحی و معنوی جامعه با ترویج و پشتیبانی از اخلاق پسندیده و مشروع است. در عرصه اخلاق، دین با سه راهکار، عقلانیت بخشی، شناسایی بعضی اصول اخلاقی و حمایت از اصول اخلاقی و ضمانت اجرایی آن به مدد اخلاق آمده است. آنچه در این زمینه ضامن اجرای اخلاق است، بشارت‌هایی است که دین به آنها نوید داده است و اندازهایی که به جهت اعتقاد به معاد، انسان را از عقوبت آن برحذر داشته است. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه معرفی شده است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو دانسته شده است که جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. در زمینه کارکرد دشمن‌شناسی نیز امام علی علیه السلام، در دو قالب نظری و عملی به این مهم پرداخته‌اند و الگویی جامع را در این زمینه برای همه حاکمان اسلامی به جای گذاشته‌اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در بیانیه گام دوم با الگوگیری از امام علی علیه السلام و بهره‌گیری از منابع اصیل اسلام، به ارائه برنامه دقیق در برخورد با دشمن پرداخته‌اند که نشان از کارکرد قوی دین در این عرصه دارد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲. ابن فارس بن زکریا، أبو الحسین احمد، بی جا: دارالفکر، ۱۳۹۹ ش.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، بی تا.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، تهران: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۶. بهداروند، محمد مهدی، تبیین و تحلیل مفهوم دین، رواق اندیشه، شماره ۳۰، خرداد ۱۳۸۳: ۷۷-۱۰۱.
۷. حبیبی، رضا، داودی، محمد؛ نوزری، محمد، تحلیل دین حداکثری در اندیشه آیت الله جوادی آملی، اندیشه نوین دینی، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۴: ۷-۱۸.
۸. حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۳۲ ق.
۹. خامنه‌ای، سید علی، دسترسی در تاریخ ۱۵/۰۸/۱۴۰۰، khamenei.ir، ۱۳۹۷ ش.
۱۰. خسرو پناه، عبدالحسین، کلام نوین اسلامی، قم: مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی جا: دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. ربانی گلپایگانی، علی، امامت در بینش اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. ربانی گلپایگانی، علی، براهین و نصوص امامت، قم: راند، ۱۳۹۹ ش.
۱۴. رضوی، سید حنان، وحدت و انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، اندیشه تقریب، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۰: ۷۱-۸۴.
۱۵. سبحانی‌نیا، محمد، کارکرد دین در زندگی بشر، قم: بوستان کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۱۶. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. شریفی، عنایت الله، کارکردهای دین در اخلاق، قیسات، شماره ۵۶، تابستان ۱۳۸۹: ۷۸-۵۱.



۱۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. صدر، سید محمد باقر، الاسلام یقود الحیاه، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بی جا: منشورات اسماعیلیان، بی تا.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۲۲. عبادی، احمد، تأملی روش شناختی بر اخذ روی آورد کارکردگرایانه در دین پژوهی و دین آموزی، فلسفه دین، دوره دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴: ۳۴۰-۳۱۷.
۲۳. عباسی، علی، عبادی نیک، علی اکبر، ضوابط کارکردگرایی در نگاه به دین، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۴۶.
۲۴. عبدالسلام، محمد هارون، معجم مقاییس اللغة، قم: دار الفکر، ۱۳۹۹ق.
۲۵. فصیحی، امان الله، نقد تبیین کارکردی دین، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱ش.
۲۶. فصیحی، امان الله؛ پوریانی، محمد حسین، مقایسه روش تبیین کارکردی جامعه شناسان و عالمان دین در عرصه دین پژوهی، عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۳۲.
۲۷. قدر دان قراملکی، محمد حسن، کاربرد دین در انسان و جامعه، قسبات، شماره ۲۸، ۱۳۸۲: ۱۸۸-۱۶۱.
۲۸. قنبری، علی، کارکردهای دین در ظهورات جهانی شدن، پژوهشنامه، شماره ۸۱، تابستان ۱۳۹۰: ۲۳-۴۶.
۲۹. مجد الدین أبو طاهر محمد بن یعقوب الفیروزآبادی، القاموس المحیط، بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ هشتم، ۱۴۲۶ق.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار: ، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴ش.
۳۲. مریجی، شمس الله، بررسی تطبیقی دین و کارکردهای اجتماعی آن از دیدگاه دورکیم و علامه طباطبائی، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۱۳.
۳۳. مشایخی پور، محمدعلی، بررسی اهمیت و جایگاه وحدت از دیدگاه امام علی علیه السلام،



- مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۵: ۶۷-۷۷.
۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۳۵. مصدقیان، حسین علی، بسترهای اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه، اخلاق، شماره ۱۲، ۱۳۸۷: ۲۱-۶.
۳۶. مطهری خواه، ذبیح الله، کارکرد فردی و اجتماعی دین از دیدگاه ابن سینا، فلسفه دین، دوره دوازدهم، شماره ۴، ۱۳۹۴: ۷۹۵-۸۳۰.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۵ش.
۳۸. منیری، حمید رضا، سپهری ید الله، انقلاب اسلامی و احیای کارکردهای دین در عرصه جهانی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۹۵: ۱۵۷-۱۸۱.
۳۹. هاشمی خویی، حبیب الله بن محمد، تهران: منهاج البراعه، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ق.
۴۰. همّت بناری، علی؛ امینی، محمد، روش‌های عاطفی در تربیت اصلاحی از دیدگاه احادیث، پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۹: ۵۰-۲۴.
۴۱. یوسفیان، حسن، کلام جدید، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹ش.